نگاه

سیاست‌های نفتی ۵ سال آخر حکومت پهلوی –۴

مجید تفرشی

● نوشته حاضر، مروری است بر گزارش‌ها و اسناد تازه آزادشده رسمی در آرشیوهای بریتانیایی در بستر تحولات نفتی ایران در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، از زمان افزایش ناگهانی بهای جهانی نفت خام تا آستانه انقلاب اسلامی در ایران.

«در جهان سوم او آغاز به گسترش بال‌های خود کرده است. او از طریق اعطای وام‌های سنگین به دنبال کسب حمایت چند کشور اصلی عربی از قبیل مصر و سوریه، بیشتر به دلیل منزوی‌کردن دشمن دیرینه خود عراق است. او نفوذ خود را در عمان و دیگر کشورهای کوچک عرب خلیج‌فارس نیز گسترش می‌دهد.»

در این گزارش به همکاری‌های اقتصادی و کمک‌های مالی ایران به کشورهای افغانستان، پاکستان، بنگلادش و سودان و تلاش برای گسترش این روابط با کنیا، سنگاپور، استرالیا، نیوزیلند، اندونزی، هند، مراکش، تونس، زیبر، سنگال و لسوتو اشاره شده است. در ادامه این گزارش به بررسی رویکردها و سیاست داخلی شاه پرداخته شده است:

سفیر بریتانیا در قسمت دیگری از گزارش سالانه خود، به بررسی اجمالی برنامه‌های آینده ایران در پرتو افزایش ۴۰۰درصدی درآمدهای نفتی پرداخته است: «این‌همه فعالیت‌های شدید در ظاهر موجب چه شده و نشانگر ظهور چه امری در آینده است؟ از میان عزیمت بهمن‌گونه وزرا، صاحبان صنایع، بانکداران، مدیران نفتی، هیات‌های تجاری، اقتصاددانان، پیمانکاران و دیپلمات‌های جدید به تهران به سادگی نمی‌توان درختان را در میان جنگل تشخیص داد... . واردات غیرنظامی ایران در کل سال گذشته (۱۹۷۳) ۳/۷میلیارددلار بوده که واردات هفت‌ماه نخست سال جاری معادل این میزان بوده است... . امسال برای ایران در مقیاسی وسیع، سال قراردادها و پروتکل‌های میلیارددلاری بود. چه در زمینه ایستگاه‌های انرژی هسته‌ای و چه در مورد الکتریکی کردن راه‌آهن، چه در مساله خرید هواپیماهای کنکورد یا گسترش بیمارستان‌ها و بنادر یا کارخانه‌های صنایع فولاد و پتروشیمی و مواردی از این‌دست. هنوز به نظر می‌رسد که راه زیادی برای تحقق یافتن این برنامه‌ها در برنامه پنج‌ساله در پیش است... . بسیاری می‌گویند ایرانی‌ها هرگز نمی‌توانند به‌موقع به برنامه‌های خود دست یابند. محدودیت‌ها حقیقتا رعب‌انگیزند، ولی در برنامه قبلی، ایرانیان پس از آنکه در سال‌های میانی عملکردشان متزلزل شدند، در سال‌های پایانی مجبور به شتاب شدند و من در این مرحله ترجیح می‌دهم که داوری نکنم.»

در ادامه این گزارش مفصل، تبعات گوناگون، افزایش ناگهانی و سرسام‌آور درآمدهای نفتی ایران و هزینه‌های مختلف کشور، ناتوانی دولت از کنترل تورم و افزایش مداوم قیمت کالاهای مختلف در بازارهای داخلی، مشکلات مختلف کمبود نیروی کار متخصص و مدیران میانه و مشکلات شبکه انتقال کالا در داخل کشور مورد بررسی قرار گرفته شده است: «وضعیت داخلی، آرام باقی مانده و استاندارد زندگی برای بسیاری همچنان رو به افزایش است. با این حال، تورم همچنان بالاست و هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نشان دهد سیاست‌های شاه سوای اشتیاق برای کسب درآمد بیشتر که برای تحقق تمدن بزرگ مورد نیاز است به سوی ایجاد نوعی تفکر ملی در حرکت باشد. روش شخصی و وفاداری شاه، مهارت و قابلیت فن‌سالاران اصلی وی قابل سوال نیستند. ولی بوروکراسی به طور کلی برای موفقیت وی در چالش‌های جدید سال ۱۹۷۴ مشکل‌آفرین است، زیرا ثابت شده که کمبود نیروی کار مناسب در رده‌های مدیریت میانه، امور فنی و اداری و نیز صنعتگران ماهر بسیار رقت‌بار است. جمعیت بالای ۳۰میلیون ایران به این معناست که نیروی ذخیره وجود دارد، ولی آنها هنوز به طور موثری وارد کارزار نشده‌اند... . دولت برای پرکردن این خلأ دست به استخدام ده‌ها هزار مهاجر خارج از کشور زده، ولی این مهاجران باتجربه یک‌شبه وارد بازار کار نمی‌شوند و نیروی کار داخلی نیز باوجود عدم‌تردید در سرعت یادگیری ایرانی‌ها، آنها نمی‌توانند در مدت کوتاهی کارآمد شده و امور را به دست بگیرند. این مشکل عمده کم‌کم به یک دردسر اصلی در سال‌های آینده تبدیل خواهد شد. شاید بزرگ‌ترین و آنی‌ترین موانع اصلی، نارسایی بنادر، راه‌ها و خط‌آهن ایران برای مواجهه با ابعاد به‌شدت روبه‌گسترش واردات ضروری برای عملی‌ساختن برنامه‌های شاه است. همه مبادی ورودی کشور عملا در حال خفه‌شدن با کالاهایی هستند که در باتلاق مسخره‌ای از نظام اداری گمرک دفن شده‌اند.»

در گزارش محرمانه ۱۵دسامبر ۱۹۷۵ (۲۴آذر ۱۳۵۴) به «سر آنتونی پارسونز» سفیر بریتانیا در تهران تاکید شده که در سال ۱۹۷۵، در مقایسه با سال ۱۹۷۴، به طرز قابل‌ملاحظه‌ای از شدت رشد اقتصادی ایران که در اصل ناشی از چهار برابر شدن ناگهانی بهای جهانی نفت بود کاسته شد. پارسونز این مساله را عمدتا به دلیل «کمبود نیروی کار»، «تنگناهای زیرساختی» و «کنترل رشد ارزش برابری ریال با ارزهای خارجی» می‌داند؛ تنگناهایی که به کاهش جدی مازاد درآمد ارزی ایران و در نتیجه، تنزل سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی و برنامه کمک‌های خارجی آن کشور به کشورهای فقیر منجر شد. براساس این گزارش، در زمینه کمبود نیروی انسانی در ایران که منجر به تاخیر و اختلال در شماری از پروژه‌های عمرانی و صنعتی شد، کارگران وارداتی از فیلیپین، کره‌جنوبی و پاکستان نیز نتوانستند چندان مشکل‌گشا باشند.

ادامه دارد

گزارش میدانی «شرق» مشخص کرد

پدیده خانه‌های «رویتی» در بازار مسکن

عکس: میلاد پیامی، شرق

شرق، راشل آرامیان: قرارداد فروش را از کمد کناری در می‌آورد و روی میز می‌گذارد. برای اینکه اتمام حجت کرده باشد، می‌گوید: «یک واحد مسکونی به صورت رویتی و به مبلغ ۱۵۰میلیون فروخته می‌شود.» نگاهی به فروشنده و خریدار می‌اندازد تا بازتاب سخنانش را در چهره‌ها ببیند. راضی می‌شود و این‌بار رو به خریدار می‌گوید: «بعد از صدور سند اگر متراژ خانه یک متر بیشتر شد که شما چهارمیلیون برده‌اید و اگر یک متر کمتر شد که شما چهارمیلیون ضرر کرده‌اید.»

شما هم که باشید دل به دریا می‌زنید و مانند تمامی خریدارانی که نگران افزایش قیمت مسکن بعد از انتخابات هستند، ضرر احتمالی را به جان می‌خرید. برای کسی که با هزار زور و زحمت پولی جور کرده تا ۳۸ متر خانه بخرد یک متر بیشتر و کمتر فرقی نمی‌کند. خریدار سری به علامت تصدیق تکان می‌دهد و بنگاهدار پیر بسم اللهی می‌گوید و معامله جوش می‌خورد. به تازگی فروش برخی از خانه‌ها به صورت «رویتی» باب شده است. البته نه اینکه تا پیش از این فروش رویتی وجود نداشت اما این پدیده این روزها با شدت بیشتری از سوی بنگاهداران دنبال می‌شود. فروش رویتی شامل هرخانه‌ای نمی‌شود و این نوع فروش صرفا در مورد خانه‌هایی است که تازه‌ساز هستند و فاقد سند. متقاضیان، این واحدهای مسکونی را دیده و بعد از رویت می‌خرند و به همین دلیل هم این نوع فروش رویتی نام دارد که حدود یک متر ضرر یا سود دارد.

بنگاهداران برای ترغیب مشتریان خود به خرید رویتی می‌گویند معمولا در این‌گونه فروش‌ها این خریداران هستند که سود می‌کنند. برای این ادعا هم توضیحاتی دارند. قربانی یکی از بنگاهداران شرق تهران است که در این خصوص می‌گوید: «براساس جواز شهرداری، متراژ خانه‌ها مشخص می‌شود. بعد از اتمام روند ساخت، این سازمان ثبت اسناد و املاک کشور است که متراژ اصلی خانه‌ها را مشخص می‌کند. معمولا در اغلب موارد، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، متراژ خانه‌ها را نیم تا یک‌درصد بیشتر از جواز شهرداری اعلام می‌کند.»

حالا واکنش مصطفی قلی‌خسروی، رییس اتحادیه کشوری مشاوران املاک به این رویداد جالب است. او زمانی که فروش رویتی مسکن را می‌شنود بی‌آنکه مهلت هرگونه صحبت بیشتری را دهد، می‌گوید: «فروش مسکن به نام رویتی نداریم و شما خبرنگاران آن را باب نکنید. همان‌طور که فروش متری را به دلیل اینکه خوراک خبری و مطبوعاتی به دست بیاورید باب کردید، حالا هم برای اینکه خبر درست کنید، این واژه را به کار می‌برید. من چنین چیزی را تکذیب می‌کنم و چنین چیزی در بازار وجود ندارد.» همین چند جمله را می‌گوید و تلفن را قطع می‌کند. شاید اگر می‌دانست که یکی از قربانیان فروش رویتی در همین روزنامه نشسته بی‌آنکه قصدی برای نوشتن گزارشی داشته باشد، واکنش معقول‌تری نشان می‌داد. جالب می‌شود اگر بدانید، «فروش رویتی» به هیچ عنوان در قرارداد ذکر نمی‌شود و امکان اثبات قانونی این نوع فروش وجود ندارد. اما تا دلتان بخواهد در مورد خانه‌های نوساز و فاقد سند، استفاده می‌شود.

به تازگی فروش برخی از خانه‌ها به صورت «رویتی» باب شده است. البته نه اینکه تا پیش از این فروش رویتی وجود نداشت اما این پدیده این روزها با شدت بیشتری از سوی بنگاهداران دنبال می‌شود

اما بارها اتفاق افتاده که متراژ نهایی خانه از جواز شهرداری هم کمتر شده و نیم تا یک متر به زیان خریدار شده است. ضررهایی از این دست باعث شده که برخی با وجود نهایی‌نشدن سند، باز هم ترجیح دهند براساس متراژ خانه‌ای را بخرند. در این روش در قولنامه قید می‌شود در صورتی که متراژ خانه در سند، نهایی بیشتر بود، طرفین به هر میزان که وجه اضافه دریافت یا پرداخت کرده باشند، به صاحبش بازگردانده می‌شود و قیمت‌گذاری براساس متراژ قید شده در سند نهایی خواهد بود. اما حالا که بازار در رکود است و همه نگران افزایش قیمت‌ها، برخی با استناد به این روش‌ها سود خود را بیشتر می‌کنند. اما قولنامه را که بستید تازه بدبختی‌ها شروع می‌شود. خانه لختی را دارید که باید وسایل اولیه آن را که در گذشته‌های نه چندان دور فروشنده روی خانه تحویل می‌داد، تهیه کنید. خانه‌ای دارید که همان روز اول نه کولر دارد و نه شیرآلات. خبری از پکیج یا آبگرمکن هم نیست. در بدترین حالت باید کابینت‌ها را هم خودتان نصب کنید. کمتر اتفاق می‌افتد که فروشندگان خانه‌های نوساز تمامی امکانات اولیه را از خریدار دریغ کنند. در حال حاضر تمامی خانه‌های نوسازی که فروخته می‌شوند، کولر ندارند. به جز این گاه اتفاق می‌افتد که خانه‌ای علاوه بر کولر شیرآلات هم نداشته باشد. حتی بعضی اوقات مشاهده می‌شود که خانه‌ای شیرآلات دارد اما به جای آن کابینت ندارد. با قیمت‌های فعلی کابینت که بی‌کیفیت‌ترین آنها حداقل دومیلیون تومان است جفای بزرگی به خریداران محسوب می‌شود که هیاهوی گران‌شدن خانه‌ها بعد از انتخابات مانع از اعتراض آنها در مقابل چنین سوءاستفاده‌هایی می‌شود.

اما اینها چیزهایی نیستند که مانع انجام معاملات مسکن شوند. بازار مسکن منتظر است تا نتیجه انتخابات را ببینند. فروشندگان دست نگه داشته‌اند و در مقابل خریداران می‌خواهند هرطور که شده خانه‌ای بخرند. بازار آنقدر کساد است که مطلفی‌قلی خسروی، رییس اتحادیه املاک تهران پیش‌تر خبر از حباب ۲۰درصدی بازار مسکن داده بود. این حباب هنوز هم در بازار است و بی‌آنکه معامله‌ای انجام شود روز به روز بزرگ‌تر می‌شود. اگر در این بازار کسی پیدا شود که خانه‌ای برای فروش داشته باشد، فقط نیاز فوری به پول دارد یا اینکه سودای کاسبی بزرگ‌تری در سر می‌پروراند که اگر اندکی تعلل کند، فرصت را از دست داده است.

امینی بنگاهداری در میانه تهران، اوضاع را بس نامناسب توصیف می‌کند و می‌گوید: «از اول سال تا الان نتوانسته‌ایم یک قرارداد فروش تنظیم کنیم. خریدار و فروشنده سر قرار می‌آیند اما فروشنده ناگهان دبه می‌کند و قیمت را ناگهان بالا می‌برد. این افزایش ناگهانی به قدری زیاد است که خریدار اگر بخواهد با این دبه هم کنار بیاید قدرت مالی‌اش اجازه این کار را نمی‌دهد.» می‌پرسم، فروشندگان در زمان دبه‌کردن چقدر قیمت را بالا می‌برند؟

می‌گوید: «میزان افزایش ناگهانی قیمت بستگی به زمان ساخت و متراژ خانه‌ها دارد. هر چه که خانه‌ای بزرگ‌تر و نوساز‌تر باشد، افزایش قیمت هم بیشتر است. اما در این دو ماهی که از سال می‌گذرد، از ۱۰میلیون‌تومان دبه دیده‌ایم تا ۲۰میلیون تومان.»

او گفته‌هایش را ادامه می‌دهد: «ما تا الان هر چه درآمد داشتیم فقط از محل اجاره املاک بوده که اغلب آنها از ۱۵ فروردین به بعد آغاز شده است.» بالاخره شما درآمدی داشته‌اید وای به حال صنف‌های دیگر که... .

مهلت تمام‌شدن جمله‌ام را نمی‌دهد. می‌گوید: «درآمدی که از محل فروش داریم بیشتر از اجاره‌دادن چند واحد آپارتمان است. تازه اجاره‌دادن خانه‌ها نسبت به قبل هم سخت شده. هرکسی که بخواهد یک واحد آپارتمان ۶۰متری اجاره کند باید ۱۰میلیون تومان در جیبش پول باشد و ماهانه هم باید به فکر پرداخت ۵۰۰تا ۶۰۰ هزار تومان کرایه باشد. برای همین کار ما شده نوشتن آدرس روی کاغذ تا مشتری خانه را ببیند و بعد برای قرارداد بیاید. مشتری امید دارد چونه بزند و خانه را با مبلغ کرایه یا پیش‌پرداخت کمتری اجاره کند اما در اغلب موارد صاحب‌خانه‌ها راضی به تخفیف نمی‌شوند و اینجا هم معامله جوش نمی‌خورد.»

در هرحال بازار در رکود است اما بی‌آنکه معامله‌ای انجام شود، قیمت‌ها به بالا می‌جهند. فقط پایان انتخابات می‌تواند این بازار را به رونق بازگرداند البته اگر قدرت خریدی مانده باشد.

پرسه

گندم‌مرزنشینان نصیب دولت می‌شود یا قاچاقچیان؟

● **مهر:** معاون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز نسبت به عدم خرید به موقع گندم از کشاورزان مناطق مرزی ترکیه و عراق توسط دولت هشدار داد و گفت: دلالان در انتظار خرید گندم با قیمت بالاتر و قاچاق آن به خارج هستند. مهدی ابویی نسبت به خرید به‌موقع گندم از کشاورزان مناطق مرزی کشور توسط دولت هشدار داد و گفت: فصل برداشت گندم به‌زودی آغاز می‌شود و این نگرانی وجود دارد که با توجه به اختلاف قیمت گندم داخلی و بیرون از مرزها، گندم به خارج از کشور قاچاق شود. معاون ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، حداقل اختلاف قیمت هر کیلوگرم گندم داخل با دو کشور هم‌مرز ترکیه و عراق را حدود ۵۰۰تومان ذکر و تصریح کرد: لازم است از هم‌اکنون تدابیری اتخاذ شود که دولت، وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی، به موقع گندم‌ها را از مردم با ارایه امکانات و تسهیلات مناسب خریداری کنند و جمع‌آوری گندم از کشاورزان به‌زودی انجام شود. وی در مورد تعیین قیمت خرید گندم توسط دولت از کشاورزان عنوان کرد: این موضوع برعهده خود دولت است و هرچه قیمت تعیین‌شده باعث کاهش اختلاف بین قیمت گندم داخلی و خارجی شود، بهتر است و انگیزه و سود را برای کاهش قاچاق کمتر می‌کند. ابویی با بیان اینکه کشاورزان آمادگی کامل دارند گندم خود را در اختیار دولت قرار دهند، گفت: اما مهم این است که دستگاه‌های مسوول با تهیه امکانات، گندم را سر زمین از کشاورزان خریداری کنند.

هر مترمکعب آب ۵۹۰تومان شد

● **مهر:** سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو گفت: در حال حاضر قیمت تمام‌شده هر مترمکعب آب شرب ۵۹۰۰ریال و هر مترمکعب آب کشاورزی ۸۰۰ریال است. علیرضا دایمی با اعلام اینکه قیمت فعلی آب کمتر از نصف قیمت واقعی آن است، گفت: قیمت تمام شده آب شرب هم‌اکنون (به قیمت سال ۹۰) حدود پنج‌هزار و ۹۰۰ریال قیمت تمام‌شده آب کشاورزی مترمکعبی ۸۰۰ریال است و این قیمت‌ها با قیمت یک دهم در اختیار کشاورزان قرار می‌گیرد. سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو با تاکید بر اینکه تا پایان برنامه پنجم قیمت‌ها باید به قیمت تمام‌شده نزدیک شود، اظهار کرد: در نتیجه یک‌دهه خشکسالی، کشاورزان و مردم برای تامین آب به منابع زیرزمینی روی آورده‌اند.

گزارش

۳هفته معطلی در اعلام قیمت

فارس: بعد از چکش‌کاری قیمت پیشنهادی شیر خام در نشست سه‌جانبه دامداران، صنعت و سازمان حمایت، قیمت کیلویی هزار و ۴۰ تومان جهت طرح در جلسه ستاد تنظیم، نهایی شد اما این جلسات، سه‌هفته متوالی است باوجود اعلام قبلی تشکیل نمی‌شود. بعد از ثباتی که در نیمه دوم سال گذشته در قیمت لبنیات کشور به دلیل تامین علوفه و تثبیت قیمت شیر خام به وجود آمد، ستاد تنظیم بازار تصویب کرد قیمت لبنیات تا ۲۰ فروردین سال ۹۲ افزایشی نداشته باشد، اما بعد از این تاریخ بود که کارخانه‌های لبنی و دامداران، اعتراض‌های خود را آغاز کرده و خواستار افزایش قیمت شدند. در این میان کارشناسان رسمی قوه‌قضاییه موظف شدند به عنوان کارشناسان بی‌طرف با بررسی قیمت تمام‌شده شیر خام و فرآورده‌های لبنی، گزارش خود را به سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ارایه دهند. کارشناسان رسمی، نتیجه بررسی و تحقیقات چندین‌ماهه خود را چند روز پیش ارایه دادند و تولیدکنندگان شیر نیز قیمت پیشنهادی خود را ارایه کردند و یکی، دو جلسه کارگروهی نیز تشکیل شد تا قیمت نهایی در ستاد تنظیم بازار تصمیم‌گیری شود. سه‌هفته است جلسات ستاد تنظیم بازار برای تعیین قیمت شیر خام تشکیل نمی‌شود و بعدازظهر امروز نیز که قرار بود ستاد تنظیم بازار با تشکیل جلسه‌ای قیمت شیر خام را اعلام کند، باز هم این جلسه تشکیل نشد. سعید سلطانی، با اعلام اینکه سه‌هفته متوالی است که ستاد تنظیم بازار برای تعیین قیمت شیر خام تشکیل نمی‌شود، گفت: مشکلات تولیدکنندگان نباید تحت تاثیر فضای سیاسی انتخابات قرار بگیرد. تولیدکنندگان باید بدون دغدغه، تولید خود را ادامه دهند و مسوولان نیز بدون تاثیر از شرایط سیاسی کشور شرایط مناسبی را مهیا کنند. وی تصریح کرد: در حالی که قیمت انواع علوفه نیز در بازار افزایش قابل‌ملاحظه‌ای داشته است، اما هنوز قیمت شیر خام که سه‌هفته است دامداران در انتظار اعلام قیمت جدید هستند تصمیم‌گیری نمی‌شود. سلطانی گفت: کارشناسان رسمی دادگستری نیز نظر خود را اعلام کرده‌اند و کارگروه‌هایی نیز پیشنهاد تولیدکنندگان را چکش‌کاری کرده و آماده تصمیم‌گیری در ستاد تنظیم بازار است. مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران قیمت پیشنهادی شیر خام را به دلیل آنچه که ایشان سوءاستفاده برخی در بازار خواند اعلام نکرد، اما اطلاع از منابع آگاه حاکی است که در کارگروه تعیین قیمت هر کیلوگرم شیر خام به قیمت هزار و ۴۰تومان پیشنهاد شده است.

ادامه از صفحه اول

ماموریت غیرممکن

اعضای مجمع عمومی در این اساسنامه، هم تعریف خاص خود را دارند. مطابق تبصره ماده یک تشکل‌های عضو خانه سینما موظفند ظرف یک‌ماه پس از ابلاغ این اساسنامه درخواست و متن اساسنامه خود را جهت طی مراحل قانونی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تسلیم کرده و رسید دریافت دارند. این تشکل‌ها عضو مجمع عمومی محسوب می‌شوند. معنی تشکل‌های عضو هم روشن است، یعنی ۲۹ تشکلی که پیش از این به عضویت خانه سینما درآمده‌اند، نه اصناف دولتی‌ساز. ریاست محترم سازمان سینمایی اخیرا دستوری خطاب به معاون فعالیت‌های این سازمان صادر کرده‌اند. به‌موجب این دستور می‌باید کمیته‌ای تحت‌عنوان کمیته بازگشایی عهده‌دار شروع مجدد فعالیت خانه سینما شود. معاون محترم فعالیت‌ها نیز در مصاحبه‌ای خبر از تشکیل هیات موسس داده‌اند. به سخن روشن، اساسنامه‌ای که نمایندگان سازمان سینمایی زیر آن را امضا کرده‌اند حتی یک‌بار ولو سرسری خوانده نشده است. در ماده ۱۴ اساسنامه اصلاحی مورد تایید نمایندگان سازمان سینمایی و نماینده حقوقی آن وزارتخانه تصریح شده است که هیات موسس خانه سینما چه کسانی بوده‌اند و پس از انجام تشریفات قانونی اداره این نهاد را به هیات‌مدیره منتخب سپرده و منحل شده‌اند. همچنین در اساسنامه اصلاحی، کمیته‌ای تحت‌عنوان «کمیته بازگشایی» تعریف نشده است. به همین سیاق نمی‌توان موسسه‌ای را که یک‌بار تاسیس شده و به ثبت رسیده دوباره تاسیس کرد. سوال اینجاست که این همه تخلف آشکار از موازین حقوقی چرا تجویز می‌شود؟ چرا سازمان سینمایی خلاف دستورات ریاست‌جمهوری و خلاف میثاقی که نمایندگانش آن را امضا کرده‌اند عمل می‌کند؟ در روزگاری که مخالفان سرسخت و پرشور خانه سینما هسته اصلی تعطیلی این نهاد را تشکیل می‌دادند مقصود حاصل نشد. حال که آن کنشگران سرسخت هر یک از گوشه‌ای فرارفته‌اند و نوبت به افراد تازه رسیده، آیا این ماموریت غیرممکن شده است؟